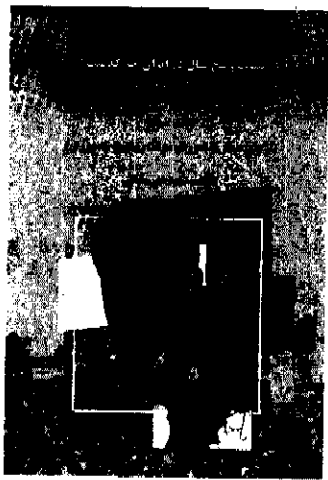


نگاهی به مجموعه ۲۵ سال در ایران چه گذشت؟

داوود علی بابایی*



انقلاب به تمام معنی ملی بود و انقلاب نیکارگونه و دیگر انقلاب‌هایی که ماهیت ملی و وطنی داشتند، زیرمجموعه این انقلاب بوده‌اند.

۴. انقلاب اسلامی ایران تنها انقلاب ملی، مذهبی است که بعد از آن انقلاب دیگری با این ماهیت در جهان صورت نگرفته، گرچه بعضی کشورهای اسلامی کوشش کردند تا انقلابی مشابه انقلاب اسلامی ایران انجام دهند، اما موفق نشدند.

مجموعه ۲۵ سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی) یک دوره تاریخی سیاسی ملون درباره تاریخ سیاسی بعد از انقلاب اسلامی است که توسط انتشارات امید فردا به قلم نگارنده منتشر شده است.

در این مجموعه تلاش شده تا حتی المقنن به تمام جوانب انقلاب اسلامی پرداخته شود. در واقع مجموعه ۲۵ سال در ایران چه گذشت به این دلیل تدوین شده است که کسانی که از سال ۵۶ تا به حال در کوران جریانات و رویدادهای انقلاب بوده‌اند، مشاهدات عینی و تجربی خود را بر مطالب کتاب که برگرفته از منابع و مقالات و ملاخذ مختلف است، انطباق دهند حقایق تاریخی برایشان آشکار شود و صنق تاریخی از کذب تاریخی متمایز گردد، همچنین نسل دوم و سوم انقلاب که آن را لمس نکرده‌اند با مطالعه این مجموعه به حقایق تاریخ سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی بی‌برند و انباشته‌ای از مطالب جامع و کامل تاریخی را در ذهن خود بکنج‌انند.

در مجموعه ۲۵ سال در ایران چه گذشت تلاش شده است مطالبی بیان شوند که با چند سند تاریخی مطابقت داشته‌اند. همچنین تلاش شده است روشکافی بی‌طرفانه و دور از گرایش‌های گروهی و جناحی و حزبی انجام شود و به مطالب و نکاتی اشاره گردد که حتی ممکن است خلاف عرف و سنت و باورهای مردمی باشند.

*مؤلف کتاب

دگرگونی کلی و بنیادی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه و کشور.

هر انقلابی باید در زمان و تاریخ یک کشور ریشه داشته باشد، مثلاً انقلاب هند قریب به یکصد سال در تاریخ این کشور ریشه داشت یا انقلاب فرانسه برای ۲۰۰ سال در این کشور ریشه دواند، به همین دلیل این انقلاب‌ها، انقلاب‌های بی‌روزی بودند و نتوانستند تا اندازه‌ای به آرمان‌ها و اهداف مردم خود جامه عمل بپوشانند، اما انقلاب الجزایر با ۷ سال قدمت نتوانست در حکومت بعد از انقلاب به حد مطلوبی ظاهر شود.

تاکنون چهار انقلاب بزرگ در دنیا رخ داده است، سایر انقلاب‌ها از نظر ماهیت و محتوا زیرمجموعه این انقلاب‌ها هستند.

به غیر از انقلاب فکری اروپا با عنوان رنسانس و انقلاب صنعتی انگلستان، چهار انقلاب دیگر که در بزرگی زبانه‌زد عام و خاص هستند عبارتند از:

۱. انقلاب کبیر فرانسه که در سال ۱۷۸۹ اتفاق افتاد و یک انقلاب سرمایه‌داری و بورژوازی بود؛ مردم فرانسه طی آن نظام اقتصادی فئودالی را به نظام سرمایه‌داری تبدیل کردند که پیامد آن، انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق شهروندی بود. با این که قانون اساسی فرانسه تاکنون ۹ بار تغییر کرده است، اما هنوز عظمت و بزرگی این انقلاب پایرجاست. انقلاب فرانسه حدود ۲۰۰ سال عمق و ریشه تاریخی داشته است، فرانسوی‌ها عجولانه دست به انقلاب نزدند تا بعد از مدتی دچار رکود و عقب‌گرد شوند. انقلاب‌های دیگری که ماهیت سرمایه‌داری داشته‌اند مانند انقلاب بلژیک و انقلاب انگلیس، زیرمجموعه انقلاب کبیر فرانسه بوده‌اند.
۲. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه که یک انقلاب سوسیالیستی بود و نظام فئودالیت روسیه را به نظام سوسیالیستی تبدیل کرد. گرچه این انقلاب راه انحراف پیمود، اما در مجموع قابل تحسین و تجلیل است و دیگر انقلاب‌هایی که ماهیت سوسیالیستی داشتند، مانند انقلاب کوبا و انقلاب چین، زیرمجموعه آن بوده‌اند.
۳. انقلاب الجزایر که در سال ۱۹۶۲ به بیروزی رسید. جرقه این انقلاب در سال ۱۹۵۳ زده شد. انقلاب الجزایر با دادن یک میلیون کشته، یک

می‌گویند تاریخ پلی است بین گذشته و آینده. تاریخ مانند کلبوسی است که مورخ می‌کوشد مردم را از آن برهاند. می‌گویند کسانی که تاریخ را مطالعه می‌کنند از آن درس می‌گیرند و دچار لغزش و خطا نمی‌شوند. روزی ناصرالدین شاه قاجار به میرزا مهدیقلی خان هدایت گفت: برای من یک تاریخ ملون بنویس. میرزا مهدیقلی خان گفت: قبله عالم! من سه نوع تاریخ می‌توانم بنویسم. یک تاریخ برای قبله عالم تا مورد پسند شما قرار گیرد و صلح و هدیه بگیرم، یک تاریخ برای مردم تا عوامانه آن را مطالعه کنند و برداشته‌های سطحی خودشان را داشته باشند، یک تاریخ هم برای خودم می‌نویسم که در آن حقایق را که نمی‌توانم به قبله عالم و مردم بگویم، می‌آورم. مورخان معمولاً مطالعه و بررسی تاریخ را به چهار بخش تقسیم کرده‌اند:

۱. تاریخ: ۲. علم تاریخ: ۳. فلسفه نظری تاریخ: ۴. فلسفه علم تاریخ

اشخاصی هم هستند که فقط وقایع نگاری می‌کنند و به جمع‌آوری و تدوین مطالبات از منابع مختلف می‌پردازند و خود هیچ اظهارنظر و تجزیه و تحلیلی نمی‌کنند، به آنان وقایع‌نگار می‌گویند، افرادی که به تجزیه و تحلیل تاریخ می‌پردازند، مورخ نامیده می‌شوند این افراد معمولاً گرایش‌های گروهی و سیاسی و حکومتی دارند و به خاطر منافع فردی و گروهی و حکومتی، گاه از یک خائن، خادم می‌سازند و از یک خادم، خائن. حتی گرایش‌های ایندولولوژیک خود را نیز در امر تاریخ دخالت می‌دهند و سیر تاریخ سیاسی و اقتصادی را منحرف می‌کنند. البته این ادعا باعث نمی‌شود وقایع‌نگاران را از خطا و لغزش مصون بدانیم، به هر صورت مورخان و وقایع‌نگاران گاهی برای کسب مقام یا دریافت صلح و هبه، تاریخ را از مسیر حقیقی خود منحرف می‌کنند. تاریخ انقلاب‌ها هم از این قاعده مستثنی نیست.

تاکنون تعاریف متعددی از انقلاب ارائه شده است، از جمله میرزاده عشقی انقلاب را چنین تعریف می‌کند: انقلاب وقتی رخ می‌دهد که عادات و امیال طبقه زبردست موجب عدم رضایت طبقه زبردست می‌شود. انقلاب عکس‌العمل تعدیات اربابان اقتدار و خودسری‌های منتقدین است. انقلاب یعنی